

Principles Governing the Sentencing of Corporate Crimes in the Iranian Legal System

Amin Nikoomanzari*

Ph.D. in Criminal law and criminology, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.

Mohammad Hossein Bideshki

M.A. in Criminal law and criminology, Faculty of Crime Prevention and Correctional Rehabilitation, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran.

Hamidreza Maarefi Zanjani Asl

M.A. in Criminal law and criminology, Faculty of Crime Prevention and Correctional Rehabilitation, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran.

Abstract

Corporate crimes, as a modern form of white-collar crimes, have become one of the significant challenges for criminal justice systems worldwide. In the Iranian legal system, the approach towards these crimes involves the use of traditional sentencing principles such as individualization of punishment, personal liability, and proportionality between crime and punishment. However, due to the insufficient familiarity of the Iranian legal framework with the concept of corporate crime and its consequences, the application of modern sentencing principles has received little attention. As a result, the pursuit and punishment of corporate offenders are largely based on traditional sentencing principles. This paper, through an analytical and descriptive approach and by utilizing library resources, examines corporate crimes within the context of traditional punishment principles. The analysis indicates that traditional principles governing crime and punishment fail to provide adequate guidance for legislators during the law-making process. Therefore, legislators need modern principles to guide policy-making in this domain. The incorporation of modern sentencing principles into laws not only better serves societal interests and enhances security in economic matters but also paves the way to prevent widespread harm to the public and ease the burden on the judicial system.

Keywords: Corporate crime, sentencing, legal entity, traditional principles, modern principles, white-collar crimes

* **Email:** aminnikoomanzari@yahoo.com (Corresponding Author)

فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضائی
مقاله پژوهشی، دوره ۲۹، شماره ۱۰۷، پاییز ۱۴۰۳، صفحات ۲۱۳ تا ۲۴۲
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۹ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۷

اصول حاکم بر کیفرگذاری جرائم شرکتی در نظام حقوقی ایران

|امین نیکومنظری*| دانش‌آموخته دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده

حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

|محمدحسین بیدشکی| دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی،

دانشکده پیشگیری از جرم و اصلاح و تربیت، دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری، تهران، ایران.

|حمیدرضا معارفی زنجان‌ی اصل| دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و

جرم‌شناسی، دانشکده مدیریت اصلاح و کیفرهای قضائی، دانشگاه علوم قضائی و خدمات اداری، تهران، ایران.

چکیده

جرائم شرکتی، به عنوان شکلی نو از جرائم یقه‌سفیدی، امروزه به یکی از چالش‌های نظام عدالت کیفری در جهان تبدیل شده است. در نظام حقوقی ایران رویکرد اتخاذی در مقابل این جرائم استفاده از اصول کیفرگذاری سنتی همچون اصل فردی کردن، شخصی بودن و تناسب میان جرم و مجازات و سایر اصول است. این در حالی است که به دلیل نامأنوس بودن نظام حقوقی ایران با مفهوم جرم شرکتی و پیامدهای آن، به کارگیری اصول کیفرگذاری نوین، کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است و هدف تعقیب و مجازات کیفری مجرمان شرکتی، غالباً در اصول کیفرگذاری سنتی دنبال می‌شود. مقاله حاضر با رویکردی تحلیلی - توصیفی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، جرائم شرکتی را در محدوده اصول سنتی مجازات مورد بررسی قرار داده و تحلیل صورت گرفته گویای این امر است که

Email: aminnikoomanzari@yahoo.com

*نویسنده مسئول

اصول سنتی حاکم بر جرم و مجازات نمی‌تواند به خوبی رهنمودهای لازم را برای قانون‌گذار در مرحله تقنین، محقق سازد و به همین جهت قانون‌گذار نیازمند اصول نوینی برای سیاست‌گذاری در حوزه تقنین است. پیش‌بینی اصول نوین کیفرگذاری در قوانین علاوه بر تأمین هرچه بهتر مصالح جامعه و امنیت در مسائل اقتصادی، راه را در جهت جلوگیری از ورود زیان گسترده به مردم و نیز ایجاد بار اضافه بر دستگاه قضائی بیش از پیش هموار می‌سازد.

واژگان کلیدی: جرم شرکتی، کیفرگذاری، شخص حقوقی، اصول سنتی، اصول نوین، جرائم یقه‌سفیدی.

مقدمه

اصطلاح جرم شرکتی، مفهومی است که نخستین بار ادوین ساترلند از آن به عنوان جرائم یقه‌سفید یاد کرد. مطابق تعریف ساترلند جرائم یقه‌سفید به جرائم ارتكابی غیرخشی گفته می‌شود که توسط افراد دارای ظاهر موجه و جایگاه اجتماعی بالا، در ارتباط با شغل خود مرتکب می‌شوند (Price, Merlyn et al., 2009). هرچند که این دو عنوان یعنی جرائم شرکتی و یقه‌سفید در عمل دارای تفاوت‌های مختلفی با یکدیگرند.^۱ جرم شرکتی عبارت است از رفتار یک شرکت یا عاملان آن بنگاه یا مؤسسه به نمایندگی از شرکت و به نام و به حساب همان شرکت که در بستر فعالیت شغلی ارتکاب می‌یابد و مطابق قوانین کیفری، دارای ممنوعیت و قابل مجازات است (Simpson, 2002: 6). این مفهوم، یک اصطلاح عام است که طیف گسترده‌ای از جرائم همچون رویه‌های ضد رقابتی، جرائم زیست‌محیطی، مالیاتی و غیره را دربر می‌گیرد که در بستر فعالیت‌های شرکت و کارمندان آن ارتکاب می‌یابد.

۱. تفاوت‌هایی همچون اینکه مرتکبان جرم شرکتی لزوماً از اشخاص مرفه جامعه نیستند، به خلاف جرائم یقه‌سفیدی که اساساً به ارتکاب جرائمی خاص توسط افراد دارای طبقات بالای اجتماعی، اشخاص پرتوان مالی و یا صاحب مقام و منصب است، اشاره دارد (ر.ک. قبانچی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۴۳، ۱۴۴).

در جرائم شرکتی، مرتکبان این جرائم معمولاً حضور قانونی و به ظاهر مشروعی در سطح جامعه دارند، اما به دلیل ساختار سازمانی و چالش‌هایی که درمورد مسئولیت کیفری شرکت‌ها وجود دارد، از حیث انتساب مسئولیت کیفری با دشواری‌هایی روبه‌روست. این جرائم بعضاً دارای خصیصه‌هایی از جمله: مخفیانه بودن، عدم ایجاد ترس و نگرانی به دلیل غیرفیزیکی و غیرخشن بودن، دارا بودن ظاهری مشروع و قانونی و به‌طور کلی دارای وضعیت حقوقی و کیفری مبهمی هستند (محسنی، ۱۳۹۰: ۱۰). از این روی، کشف این جرائم و شناسایی ضرر و زیان ناشی از آن معمولاً با دشواری روبه‌روست. این دشواری به‌خصوص زمانی که این جرائم در قالب شرکت‌ها و با همکاری سازمان‌های متخلف رخ دهند بیش از پیش نمایان می‌شود. از آنجا که جرائم شرکتی اغلب در محیط اجتماعی و حرفه‌ای شرکت‌ها قرار گرفته‌اند، سازمان‌ها اغلب برای ارتکاب و پنهان کردن جرم با هم همکاری می‌کنند (Bertrand et al., 2014: 881-908 ; Lord & Levi, 2017: 365-89; Jaspers, 2017: 319-335). با توجه به تنوع، گستردگی و نوظهور بودن این جرائم در هزاره سوم، قضات رسیدگی‌کننده معمولاً در رسیدگی به این جرائم با چالش‌های جدی مواجه هستند و این ویژگی‌ها موجب می‌شود که این دسته از جرائم با جرائم سنتی مانند قتل و سرقت تفاوت‌های اساسی داشته باشند.

حال با توجه به اهمیت این دسته از جرائم باید یک نگاه چندبُعدی به آن‌ها داشت؛ بدیهی است که با توجه به ویژگی‌های جرائم شرکتی و تأثیری که این جرائم بر اجتماع می‌گذارند، باید در جرم‌انگاری و کیفردهی متناسب با وضعیت و شرایط این دسته از جرائم نهایت دقت به عمل آید. در قوانین موجود برای کیفر سه مرحله کیفرگذاری (تقنینی)، کیفرگزینی (قضائی) و اجرای کیفر (اجرایی) متصور است که هریک ویژگی‌های خاص خود را دارند (خانعلی‌پور، ۱۴۰۱: ۲). در عدالت کیفری سنتی، آنچه اهمیت محوری دارد، مجازات مرتکب جرم است که در تعیین و عملی کردن ضمانت اجرا، یک‌جانبه عمل می‌کند؛ علاوه بر این روش‌های کیفرگزینی سنتی کم‌تر به آثار اجتماعی مجازات توجه لازم را می‌کنند؛ در حالی که اولاً در جرائم شرکتی، جامعه تحت تأثیر ضمانت اجرای تحمیلی فقط یک شخص یا حتی یک خانواده نیست، بلکه در بعضی

از صورت‌های آن، کارمندان شرکت و همین‌طور خانواده آنان، سهامداران، مصرف‌کنندگان و مشتریان کالا و یا خدمات ارائه‌شده و همین‌طور جامعه محلی و در بُعد کلان، نظام اقتصادی جامعه را دربر می‌گیرد. به نظر می‌رسد که مواجهه صحیح با چنین جرائمی در پرتو اتخاذ سیاستی کارکردگرا و مشارکتی و سایر روش‌های کیفرگذاری نوین است. صرف شناسایی مسئولیت کیفری برای اشخاص حقوقی، نمی‌تواند مانع از جرائم فراگیر شرکتی و حامی حقوق افراد جامعه باشد؛ به همین سبب کیفرگذاری درخصوص جرائم شرکتی که معمولاً در بستر شخص حقوقی شکل می‌گیرند، امری مهم و ضروری است که هر یک از نظام‌های حقوقی، ضمن پذیرش برخی از اصول، نسبت به طرح‌ریزی قوانین اقدام می‌کنند. لذا این اصول تقریباً در تمام نظام‌های حقوقی مورد قبول واقع شده و این امکان را دارند که برای کیفرگذاری مورد توجه قرار گیرند (نیکومنظری، ۱۴۰۳: ۲۴).

در پژوهش حاضر تلاش بر این است که اصول سنتی و نوین حاکم بر کیفرگذاری در این حوزه مدنظر قرار گیرد، که شناخت این اصول می‌تواند یاری‌گر نظام تقنین در سیاست‌گذاری‌های آینده باشد و این مقاله در صدد پاسخ‌گویی به این سؤالات است که آیا قواعد حاکم بر کیفرگذاری سنتی در جرائم شرکتی با توجه به ابعاد گسترده آن از کارایی لازم برخوردار است؟ چالش‌هایی که قانون‌گذار برای کیفرگذاری در این حوزه مواجه هست چیست؟ آیا علاوه بر اصول سنتی نیازمند اصول جدیدی برای تبیین این دسته از جرائم است؟ و این اصول کدام است؟ طبعاً پاسخ‌گویی به این سؤالات به درکی درست از جرائم شرکتی و قواعد حاکم بر آن منجر خواهد شد و می‌تواند به روشن شدن نقاط مبهم در حوزه تقنین کمک کند؛ به‌علاوه قانون‌گذار را در اتخاذ یک سیاست جنایی تقنینی منسجم یاری می‌رساند که ثمره عملی آن در محاکم در مواجهه با این دسته از جرائم نمود خواهد داشت. به همین جهت در بخش اول مقاله، اصول سنتی و در بخش بعدی، اصول نوین حاکم بر این جرائم که باید توسط مقنن در تدوین مقررات در حوزه جرائم شرکتی مورد توجه قرار گیرد مورد واکاوی قرار خواهد گرفت و به فراخور بحث به نمونه‌های عملی در این حوزه اشاره خواهیم کرد. پژوهش حاضر به دنبال آن است، ضمن معرفی اجمالی جرم شرکتی، اصول و مبانی کیفرگذاری سنتی را که هم اکنون

درخصوص این جرائم دنبال می‌شود مورد ارزیابی و نقد قرار دهد و در ادامه با تشریح اصول نوینی که در این حوزه وجود دارد، راه را در جهت کیفرگذاری هرچه بهتر درخصوص این جرائم هموارتر سازد. موضوع جرائم شرکتی یکی از موضوعات نوین و کم‌سابقه در حوزه پژوهش بوده است؛ ازجمله پژوهش‌های صورت گرفته در این خصوص مقاله فرید محسنی و کتاب ارزشمند جرائم شرکت‌های تجاری مجید صادق نژاد نائینی است که می‌توان گفت مهم‌ترین پژوهش‌های صورت گرفته در این حوزه است که علی‌رغم بدیع بودن آن‌ها صرفاً به موضوع جرائم شرکتی و تعریف آن پرداخته و در حوزه سیاست جنایی تقنینی و اصول حاکم بر کیفرگذاری فاقد هرگونه بحث است؛ به همین جهت در نوشتار حاضر تلاش شده با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به توصیف جرائم شرکتی و با تحلیل اصول سنتی حاکم بر آن‌ها به فراخور بحث به ارائه اصول نوین به‌عنوان راهنمای تقنین پرداخته شود.

۱. اصول سنتی حاکم بر کیفرگذاری

در این بخش اصول سنتی مؤثر بر تعیین مجازات درخصوص جرائم شرکتی مورد نقد، ارزیابی و بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۱. اصول ناظر بر جرم

از چند دهه گذشته، بحث‌های بسیاری درخصوص تحمیل مسئولیت کیفری بر مرتکبان جرم شرکتی اعمال مجازات نسبت به آن‌ها و اصول دادرسی کیفری حاکم بر مجرمان شرکتی، در بین اندیشمندان حقوق کیفری وجود داشته است. با توجه به این فرض که امروزه قانون‌گذاران در اتخاذ سیاست‌های خود اغلب متأثر از دلایل عقلی و قواعد انصاف هستند توجهات و استدلال‌های منطقی مختلفی را می‌توان برای تصمیم‌های مختلف یک قانون‌گذار در نظر گرفت (جعفری، ۱۳۹۵: ۱۱). برای سالیان متمادی، اصول سنتی کیفرگذاری بر حقوق کیفری حاکم بوده و حقوق جزا براساس ارتکاب جرم از سوی افراد، سازماندهی شده و تنها توصیف گراعمال ارتكابی اشخاص حقیقی بوده است. بر این اساس، دیدگاه غالب بر این باور است که اشخاص حقوقی و ازجمله شرکت‌ها، توان

ارتکاب جرم را ندارند و اغلب بزه‌دیده، اشخاص حقیقی واقع می‌شوند و در نهایت چنانچه به موجب حقوق جزا، مسئول تلقی شوند، هیچ گونه مجازاتی نسبت به آنها قابل اعمال نیست. در این بخش از پژوهش، به رویکردهای سنتی ناظر بر جرائم شرکتی، اشاره و بحث خواهد شد.

۱-۱-۱. اصل قانونی بودن جرم و مجازات

اصل قانونی بودن جرم و مجازات را باید سنگ بنای حقوق کیفری دانست. سزار بکاریا^۱ اندیشمند بزرگ ایتالیایی با اثر ارزشمند خود یعنی رساله جرائم و مجازات‌ها بنیانگذار این جریان فکری شد (بیات و لطفعلی‌زاده، ۱۳۹۸: ۲۷). در نظام حقوقی ایران، مهم‌ترین جلوه گاه این مهم یعنی قانونی بودن جرم و مجازات، در اصل ۳۶ قانون اساسی^۲ به چشم می‌خورد.

در زمینه جرائم شرکتی اما اصل قانونی بودن به گونه‌ای متفاوت جلوه گر شده است، به طوری که در این زمینه قوانین مرتبط نه در یک مجموعه قانون منظم همراه با اصول قانون گذاری، که به صورت پراکنده بدان‌ها اشاره شده است.^۳ گویی هر جا که مقنن خلأ قانون گذاری در زمینه این جرائم احساس کرده، با تصویب قانونی خاص در صدد رفع این نقیصه برآمده که این امر خود سبب بروز مشکلات عدیده در شناسایی و مقابله با این

1. Beccaria

۲. اصل سی و ششم: حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد.

۳. در این مورد می‌توان به قوانین و جرائم زیر اشاره کرد:

الف- جرائم مربوط به تشکیل، اداره، بازرسی، انحلال و تصفیة شرکت‌های تجاری (مواد ۲۴۳ تا ۲۶۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴)؛

ب- جرائم مربوط به بورس و اوراق بهادار از جمله سوء استفاده از اطلاعات نهانی (بند ۱ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار)، جرم دستکاری در بازار (بند ۳ ماده ۴۶ قانون بازار اوراق بهادار)؛

ج- قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۱۷؛

د- قانون تشدید جرائم رایانه ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۲۰.

جرائم شده است. شاهد مثال، جرم سرقت اسرار تجاری است که با حصول بعضی شرایط می تواند در زمره جرائم شرکتی مورد بحث قرار گیرد.

درخصوص جنبه قانونی بودن جرائم شرکتی آرای دادگاه های مختلف این اشکال مقنن در اصل قانون گذاری را بهتر نمایان می کنند. قانون گذاری ناقص و یا به نوعی عدم جرم انگاری سبب شده است تا محاکم در رسیدگی ها دچار مشکل شوند و تصمیم بر آن داشته باشند که برداشت خود را از قانون ناقص داشته باشند. این امر در نهایت علاوه بر نقض آرای بدوی در مرحله تجدید نظر یا در دیوان عالی کشور که سبب ایجاد اطاله در فرایند دادرسی می شود تضمین حقوق اشخاص در جامعه و مقابله با این جرائم و اعمال ضمانت اجراهای کیفری مناسب در مقابل آنان را دچار اشکال می سازد.^۱

ملاحظه می شود همانطور که اشاره شد قوانین پراکنده در زمینه جرائم شرکتی از طرفی سبب شده است تا بعضی جرائم پنهان از دید مقنن، مورد جرم انگاری قرار نگیرند، و یا مراجع قضائی، به ویژه دادگاه های ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی را در رسیدگی، تطبیق و شناسایی عناوین مجرمانه شرکتی دچار مشکلات عدیده ای کنند. در این زمینه می توان به بحث کلاهبرداری شبکه ای مذکور در ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتکبان ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری اشاره کرد. در رویه قضائی اتفاق نظری در ارتکاب شبکه ای جرم و مفهوم و مصادیق آن وجود ندارد، یا درخصوص مصادیق شرکت های هرمی، ابهام قوانین

۱. در پرونده ای یکی از کارکنان یک شرکت به صورت فیزیکی و از رایانه متعلق به شرکتی که در آن مشغول به کار بوده، اقدام به برداشت اسرار تجاری بر روی یک فلش مموری می کند. در ادامه دادگاه بدوی در دادنامه شماره ۸۹۰۹۹۷۷۱۶۶۲۰۱۰۴۲ به استناد مواد ۶۲، ۶۵ و ۷۵ قانون تجارت الکترونیکی به جهت معاونت در افشای غیرقانونی اسرار تجاری متهم پرونده را محکوم کرده است. دادگاه تجدیدنظر نیز در دادنامه شماره ۹۰۰۹۹۷۷۱۲۰۳۰۰۱۱۳۳ نیز رأی دادگاه بدوی در این قسمت را تأیید کرده است. لکن دیوان عالی کشور در دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۷۹۰۰۳۷۶ درخواست اعاده دادرسی محکوم علیها را به استناد اینکه مواد ۶۲ و ۶۵ قانون تجارت الکترونیکی مربوط به معاملات الکترونیکی است پذیرفته و پرونده جهت رسیدگی مجدد به شعبه دیگر دادگاه تجدیدنظر استان ارسال شد. ملاحظه می شود شعبه محترم دیوان عالی کشور در موضوع مطروحه به لحاظ اینکه مقنن به سرقت فیزیکی اسرار تجاری اشاره ای نکرده است رأی دادگاه بدوی و تجدیدنظر را نقض می کند.

ممکن است موجب توسعه تفسیر قانون بر فعالیت شرکت‌های مشروع هم بشود. این امر اختصاص به مرحله رسیدگی ندارد، بلکه تشریفات رسیدگی به این جرائم نیز از اهمیت برخوردار است، چراکه اگر شیوه رسیدگی به این جرائم فاقد شفافیت و توأم با نقص باشد در عمل مبارزه مؤثر علیه جرائم مذکور را با مشکلات جدی روبه‌رو می‌کند، هرچند قوانین ماهوی مربوطه بی‌نقص باشد (رضاپور و رجبیه، ۱۳۹۷: ۲۵۵). با توجه به اینکه جرائم شرکتی در قوانین کنونی ما جایگاه ویژه‌ای ندارند بسیاری از نهادهای قانونی مانند شرکت، معاونت در جرم، تعدد و تکرار و همچنین مجازات‌های تکمیلی و تبعی در این زمینه یا حتی شروع به جرم با کاستی‌های جدی مواجه است که در این زمینه لازم است قانون‌گذار ضمن شناسایی این دسته از جرائم و با ارائه یک تعریف صریح قانونی کمبودها را مرتفع و رویه قضائی را از سردرگمی در این حوزه رهایی بخشد.

۱-۲. اصل فردی کردن کیفر

اصل فردی بودن گاهی به‌عنوان اصلی مستقل و گاه ذیل اصل شخصی بودن مجازات اشاره شده است تا جایی که برخی اصل فردی کردن مجازات‌ها را یکی از شروط اساسی اصل شخصی بودن مجازات‌ها مطرح کرده و اصل اخیر را به‌عنوان یکی از آثار اصل فردی کردن مجازات‌ها نام برده‌اند (غیاثوند و همکاران، ۱۴۰۲: ۶۴۰). در قانون جلوه این اصل را در ماده ۱۸ و بندهای آن و به‌طور محدود در ماده ۲۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ می‌توان دید. اما اجرای این اصل در مورد اشخاص حقوقی که مرتکب جرائم شرکتی می‌شوند در عمل دچار چالش است. اگرچه صدر ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در اعمال مجازات اشخاص حقوقی به «شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن» اشاره کرده است، اما این به تنهایی مقصود ما را تأمین نمی‌کند. یکی از بایسته‌های قانون‌گذاری قابلیت اجرا در عمل است. قانون برای اجرا تصویب می‌شود و هنجار حقوقی که در قالب قانون وضع و به جامعه عرضه می‌شود باید از محتوایی کاملاً روشن برخوردار باشد (مینا و سیاهپور، ۱۴۰۲: ۲۱۴).

درخصوص اشخاص حقوقی که بعضاً مشاهده می‌شود جرائم شرکتی در پوشش یا بستری از آن‌ها به وقوع می‌پیوندد واضح است که به جز بند ب ماده ۱۸ که خوانشی دیگر از صدر ماده ۲۰ است، سایر بندهای ماده ۱۸ عملاً درخصوص اشخاص حقوقی توانایی اعمال و به کارگیری ندارند، در نتیجه قانون نمی‌تواند به خوبی کارکرد خود را در این زمینه به نمایش بگذارد. قانون‌گذار در تعیین کیفر باید به این مهم توجه کند، اما با توجه به خصیصه‌های جرم شرکتی که بعضاً در قالب شخص حقوقی است معمولاً در مرحله تعیین کیفر، جاری کردن اصل فردی کردن با مشکل روبه‌روست. در این خصوص می‌توان به دادنامه شماره ۱۱۸۴۲۹۱۹/۱۴۰۲۶۸۳۹۰۰۱۱ شعبه ۵ دادگاه انقلاب اسلامی شهر تهران ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی نگاه کرد که در پرونده موصوف به صرافی کریپتولند در راستای اعمال مجازات بر شخصیت حقوقی شرکت یکتا اکسیر سبز بیان می‌شود:

با توجه به اینکه رفتار مجرمانه بنام شرکت یکتا اکسیر سبز و در راستای منافع آن واقع گردیده است لذا با استناد به ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی شخصیت حقوقی شرکت مذکور نیز دارای مسئولیت کیفری بوده و با در نظر گرفتن اینکه فعالیت شخصیت حقوقی مذکور در جهت ارتکاب جرم تغییر داده شده است مستنداً به مواد ۲۰ و ۲۲ قانون اخیرالذکر حکم بر انحلال شخصیت حقوقی شرکت یکتا اکسیر سبز به شناسه ملی ۱۰۳۸۰۶۴۷۳۴۹ صادر و اعلام می‌گردد.

ملاحظه می‌شود در این پرونده در مقام مجازات شرکت هیچ یک از شاخصه‌های اصل فردی کردن مجازات و نه هیچ یک از بندهای ماده ۱۸ مورد بررسی قرار نگرفته و به نوعی از لحاظ محدودیت‌های قانونی، اصل فردی کردن نقض شده است. شاید تفکر دادگاه محترم هم راستا با عده‌ای از حقوقدانان باشد که در دفاع از نفی اصل فردی کردن مجازات اشخاص حقوقی بیان می‌کنند که اولاً اشخاص مذکور موجودیتی فرضی دارند و اصل مذکور بر مبنای موضوعاتی چون سن، تربیت، سواد، وضع اجتماعی، وضعیت روحی و روانی استوار است. در حالی که این موارد درخصوص شخصیت حقوقی مرتکبان جرم شرکتی منتفی است، لذا منطقی است که اصل فردی کردن درخصوص اشخاص حقوقی و شرکت‌ها قابل جریان نباشد. در پاسخ به استدلال این گروه باید گفت اولاً، وجود این دسته

از اشخاص به هیچ عنوان فرضی نیست و موجودیتی اعتباری دارند که اراده آنان از سوی نمایندگان آنها اعمال می‌شود، ثانیاً، هرچند که این اشخاص فاقد ویژگی‌های اشخاص حقیقی مانند روح و وضعیت اجتماعی‌اند، اما از جنبه‌های دیگری همچون وضعیت مالی، تعداد پرسنل، سوابق کیفری، نوع جرم ارتكابی، تعداد شکات، اعتبار اجتماعی شرکت و برند قابل ارزیابی هستند و اصل فردی کردن خلاصه در ظاهر و شخصیت فرد بزهکار نمی‌شود (نیکومنظری، ۱۴۰۳: ۸۹).

لذا برای پیروی از این اصل قانون‌گذار باید مقرراتی ورای ماده ۱۸ قانون مرقوم را بیان کند، زیرا با توجه به روح فردگرایی حاکم بر قوانین موجود نمی‌تواند مقام قضائی را در تعیین کیفر مناسب هدایت کند.

۱-۱-۳. اصل شخصی بودن کیفر

اجرای اصل شخصی کردن مجازات در جرائم شرکتی با چالش‌هایی روبه‌روست. این چالش به‌خصوص در جرائمی که در سطح شرکت‌های تجاری و سهامی رخ می‌دهد بیشتر نمایان می‌شود. اعمال مجازات نسبت به شرکت‌ها در جرمی همچون کلاهبرداری‌های صورت گرفته از سوی مدیران شرکت‌ها، در عمل دارایی سهام‌داران را نشانه می‌رود و به آن لطمه می‌زند (نیکومنظری، ۱۴۰۳: ۸۶). در همین راستا می‌توان به پرونده موسوم به پدیده شاندیز اشاره کرد که از جمله مواردی است که در آن اصل شخصی بودن کیفر به چالش کشیده شد.^۱ همین امر حاکی است که اجرای اصل شخصی کردن مجازات درخصوص این دست از جرائم با مشکل روبه‌روست و نیازمند قواعد کیفرگذاری

۱. در این پرونده متهمان شامل مدیرعامل و برخی از اعضای هیئت مدیره اقدام به انجام اعمالی از قبیل افزایش صوری سرمایه شرکت، تولید سرمایه بدون آورده، انجام کارشناسی خلاف واقع از سرمایه شرکت، بازارگردانی و تبلیغات واهی که منجر به رشد کاذب قیمت سهام می‌شود، مانور متقلبانه به منظور تحریک مردم برای خرید سهام بیشتر و سوء استفاده از رسانه در این زمینه با استفاده از نام شرکت کردند که سبب بروز مشکلات عدیده‌ای برای ۱۳۰ هزار سهامدار با حسن نیت این شرکت شد (به نقل از فارس www.farsnews.ir).

به‌روزتری در جهت پاسخ‌گویی به چنین معضلات قانونی هستیم. این قواعد باید چنین باشد که دامنه انتخاب و اعمال یک مجازات حتی‌الامکان افرادی را که در ارتکاب جرم دخیل نبوده‌اند دربر نگیرد و یا در چنین حالتی، راه‌حل‌های قانونی برای برون‌رفت از این مشکل و جبران خسارات آنان در نظر گرفته شود، برای مثال درخصوص جرائم شرکتی زیست‌محیطی می‌توان به هزینه‌های پاکسازی محیط اشاره کرد که در برخی از موارد، شرکت‌ها موظف به پاکسازی آلودگی‌هایی هستند که ایجاد کرده‌اند. این امر در کنار رویکرد ترمیمی که در جهت جبران آسیب وارده به محیط زیست دارد، می‌تواند بسیار پرهزینه بوده و به نوعی به سودآوری شرکت‌های متخلف آسیب برساند (Pearce & Grasso, 2011: 370).

۱-۴. اصل تناسب بین جرم و مجازات

اصل تناسب میان جرم و مجازات در هر دو مرحله کیفرگذاری و کیفرگزینی قابل مشاهده است. قانون‌گذار در جایگاه تعیین کیفر سنگینی عمل مجرمانه، میزان و درجه تقصیر متهم، عوامل مؤثر در ارتکاب جرم و سایر موارد را در میزان کیفر در نظر می‌گیرد و براساس این شاخص‌ها، مجازات متناسب را معین می‌کند (رحیمی، ۱۳۸۹: ۵۹).

توجه به این اصل در نظام حقوقی ما به‌ویژه درباره شخصیت‌های حقوقی، فراز و نشیب‌هایی را از سر گذرانده است. اشخاص حقوقی و ازجمله شرکت‌ها با تأسیس مجلس شورای ملی و آغاز به کار قانون‌گذاری مدون، جایگاه خود را در نظام حقوقی ایران یافتند (شیرینی، ۱۳۹۳: ۵۷)، اما تغییر رویکرد از تعهد کیفری صرف افراد حقیقی به سوی اشخاص حقوقی که از قرن ۱۹ آغاز شده بود، در ایران با تصویب قوانین متنوع در دوره‌های مختلف قانون‌گذاری، درنهایت با تصویب قانون جرائم رایانه‌ای در سال ۱۳۸۸ و به صورت صریح با تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ وارد منظومه کیفری ماهوی ایران شد. با دقت نظر در معیارهای سه‌گانه مذکور، نظریه تناسب به اعتبار ماهیت‌شناسی آن عبارت است از: «یک قاعده کلی که پس از بررسی شرایط حقوقی یک موضوع کیفری، واکنش‌های کیفری متناسب با آن تعیین می‌کند».

درخصوص متناسب بودن جرم و کیفر در جرائم شرکتی در قوانین ایران باید گفت که این تناسب چندان به صورت دقیق مشاهده نمی‌شود، برای مثال در ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی چنین برمی‌آید که برای مقنن، تفاوتی میان انحلال و مصادره اموال وجود ندارد، در حالی که هر کدام از این موضوعات، دارای شرایط خاص خود بوده و یا اینکه میان جریمه نقدی یا ممنوعیت از صدور بعضی از اسناد تجاری و حتی انتشار حکم در رسانه، هیچ تفاوتی قائل نشده است و مشخص نیست چه ملاکی را برای تعیین کیفر پیش‌بینی کرده است (نیکومنظری، ۱۴۰۳: ۸۳).

۵-۱-۱. اصل رعایت کرامت انسانی

تعیین کیفر در یک نظام حقوقی باید بر مبنای تعالی فرد و جامعه باشد و بزهکار را باید به عنوان یک شخصی که مرتکب جرم شده است دید و نه بیش از آن. تمام کیفرهایی که مقنن وضع می‌کند باید بر همین مبنای کرامت انسان، دارای تناسب میان رفتار و مکافات باشد به نحوی که دستگاه عدالت کیفری و قضات نتوانند کیفرهای خارج از ضابطه و بدون توجیه منطقی را اعمال کنند (پیوندی و میربد، ۱۳۹۷: ۱۶۱). اصل کرامت انسانی یکی از مهم‌ترین اصول مبنایی و پایه‌گذار مفهوم حقوق بشر است که بر اساس آن، حق‌های بشری که در نظام بین‌المللی حقوق بشر شناسایی شده‌اند، قابل توجیه هستند. در مجازات مجرمان، لازم است که حرمت و کرامت انسان مورد توجه قرار بگیرد و هم قانون‌گذار و هم محکمه صادرکننده حکم و هم مجری حکم، باید اصول انسانی را به طور جدی مورد ملاحظه قرار دهند. اکنون باید این موضوع را بررسی کرد که آیا می‌توان این اصل را در یک شخصیت اعتباری همچون شرکت‌ها، قابل انطباق دانست؟ در نگاه نخست، با توجه به اینکه یک شرکت، وجودی کاملاً اعتباری است، شاید نتوان این امر را قابل تحقق دانست؛ چگونه می‌توان کرامت انسانی را درباره اشخاص حقوقی، همچون شرکت‌ها جاری دانست، در حالی که فاقد روح و ویژگی‌های انسانی مانند قوه اختیار یا قدرت تفکرند.

با همه این تفاسیر اما امروزه با فاصله گرفتن نظام‌های حقوقی از نظریه فرضی بودن اشخاص حقوقی و اعتقاد به ماهیت مستقل این اشخاص، دیگر این دیدگاه که اشخاص

حقوقی، فاقد شخصیت هستند مورد تردید قرار گرفته است. فرهنگ در اشخاص حقوقی، به منزله شخصیت در اشخاص حقیقی است و انواع این اشخاص با فرهنگ‌های گوناگون، راهبردهای متفاوتی را در جهت قانون‌شکنی اتخاذ می‌کنند (شریفی، ۱۳۹۴: ۲۶۱). این مفهوم به این معناست که کیفر نمی‌تواند به گونه‌ای باشد که فرهنگ سازمانی شخص حقوقی را نادیده بگیرد و برخلاف آن، شخص حقیقی محکوم شود.

در نظام حقوقی ایران که اصل را بر مسئولیت شخص حقیقی قرار داده است و مسئولیت شخص حقوقی را تابعی از آن دانسته است، نمی‌توان به وجود مستقل شرکت‌ها برای این دسته از اشخاص قائل بود، از این رو یکی از ضمانت‌اجراه‌های قابل اعمال در نظام مذکور، اصلاح وضعیت جرم زاست (نیکومنظری، ۱۴۰۳: ۹۱، ۹۲).

۲. اصول نوین حاکم بر کیفرگذاری جرائم شرکتی

توسعه حضور شرکت‌ها در عصر اخیر و به دنبال آن، تورم جرائم شرکتی در دوره کنونی و عدم موفقیت رویکردها و اصول عدالت کیفری سنتی در مقابله با چنین جرائمی موجب شده است که امروزه از به کارگیری اصول کیفرگذاری نوین در این حوزه سخن به میان آید. به بیان دیگر، با رشد روزافزون ناهنجاری‌های اجتماعی به‌ویژه در حوزه جرائم یقه‌سفیدی و شرکتی که بزهکاران به دنبال شیوه‌های جدید برای تحقق اهداف مجرمانه خود هستند و نیز عدم کارآیی مناسب اصل کیفرگذاری سنتی، اصول کیفرگذاری نوینی که هم به اصول جرم‌شناختی توجه داشته باشند و هم نگاه جامعه‌محور و عقلانی را در کیفرگذاری مد نظر قرار دهند، بسیار ضروری و راهگشا به نظر می‌رسد (حبیب‌زاده مؤمن و روایی، ۱۳۹۶: ۲۱۹).

۲-۱. اصول و مبانی جامعه‌محور

روشن است که وضع قوانین و مقررات برای انتظام بخشی به امور است و در صورت نقض این قوانین و مقررات، به جهت اینکه جامعه متضرر می‌شود، واکنش اجتماعی در مواردی به صورت مجازات، ظهور پیدا می‌کند. بنابراین مقنن موظف است که برای کیفرگذاری

در یک حوزه، منافع و مضراتی را مورد لحاظ قرار دهد و آن‌ها را نسبت به جامعه، مورد سنجش قرار دهد. در این قسمت مهم‌ترین اصولی که باید مورد توجه قرار گیرد اشاره خواهد شد.

۲-۱-۱. اصل منفعت اجتماعی

فایده و نفع اجتماعی یکی از مبانی مورد توجه حقوق کیفری در تعقیب و مجازات مجرمان است. به این معنی که تعقیب بزه‌کاران و مجازات آن‌ها تنها به این دلیل قابل توجیه است که منافع جامعه حکم می‌کند که در مقابل مجرمان، ایستادگی شود و آن‌ها را به سزای اعمالشان برسانیم (کلی، ۱۳۸۲: ۱۸۱). توجیه نفع اجتماعی تنها برای پیشبرد اهداف سرکوبگرانه درخصوص «اشخاص حقوقی» مرتکب جرم نیست، بلکه به نظر می‌رسد از این توجیه و بیان می‌توان اهداف مشابهی را نیز برای برخورد و یا کنترل شرکت‌ها و اشخاص حقوقی مرتکب رفتارهای مجرمانه در نظر گرفت.

شرکت‌ها از چند جهت آثار عمده‌ای بر جامعه و افراد آن دارند که ضروری است در صورت ارتکاب جرم توسط آن‌ها، جامعه اقدامات واکنشی مناسبی انجام دهد تا از آثار ارتکاب جرم، در آینده کاسته شود. یکی از جنبه‌های مهم تأثیر شرکت‌ها بر جامعه عبارت است از اعتمادی که در طول زمان در میان افراد جامعه نسبت به آن‌ها حاصل می‌شود (جعفری، ۱۳۹۵: ۱۴). جنبه مهم دیگر تأثیر شرکت‌ها بر جامعه، نقشی است که آن‌ها می‌توانند در بزه‌دیدگی عموم مردم داشته باشند. با دقت در اینکه تعداد نسبتاً زیادی از افراد جامعه با شرکت‌ها و اشخاص حقوقی سروکار دارند، این احتمال عقلایی وجود دارد که در صورت انحراف شرکت‌ها از مسیر قانونی، عده بیشتری از افراد جامعه قربانی بزه آن شرکت‌ها شوند و میزان بزه‌دیدگان افزایش یابد. این مطلب به‌ویژه با در نظر گرفتن این مسئله که به‌طور معمول میزان اعتماد جامعه به شرکت‌ها و اشخاص حقوقی، از اشخاص حقیقی بیشتر است، بیش از پیش تقویت می‌شود. بنابراین، بحث جرائم شرکتی و مجازات‌های مناسب برای شرکت‌ها، اهمیت مضاعفی پیدا می‌کند.

۲-۱-۲. اصل حمایت از حقوق اشخاص ثالث

امروزه آگاهی از وضعیت اشخاص حقوقی و شرکت‌ها به سادگی امکان‌پذیر نیست. آگاهی از پیشینه شرکت‌ها، امکان بهتری برای تصمیم‌گیری سایر اشخاص نسبت به معامله یا همکاری با آنان را فراهم می‌آورد؛ بنابراین و به‌طور مثال نتیجه محکومیت یک شرکت تجاری، زمینه‌ساز تجارت محدود و توأم با احتیاط و یا به‌صورت کلی انصراف از تجارت با این شرکت است. در فرض اخیر، سایر اشخاص ترجیح می‌دهند شرکت دیگری را که فاقد سوءپیشینه کیفری باشد طرف معامله با خود قرار دهند. هر چند، هدف اساسی اشخاص ثالث در پرهیز از معامله با اشخاص حقوقی، صیانت از اموال خویش است، اما نتیجه ثانوی این امتناع، زوال یا محدودسازی فرصت‌های تجاری این اشخاص است که طبیعتاً ضعیف شدن گردش مالی و درآمد آن‌ها را در پی خواهد داشت (Gruner, 1994: 135). برخی از ضمانت اجرای کیفری همچون انتشار حکم محکومیت، به سایر اشخاص کمک خواهد کرد که بهتر و آسان‌تر بتوانند درخصوص سرمایه‌گذاری یا عدم آن تصمیم‌گیری کنند. برخی از جرائمی که شرکت‌ها مرتکب می‌شوند، مستقیماً اعتماد عمومی را مورد آسیب قرار می‌دهند، برای مثال، آنجا که شخص حقوقی مرتکب جعل، کلاهبرداری، اختلاس یا فرار مالیاتی می‌شود، حس بی‌اعتمادی جامعه را نسبت به خود به سرعت برمی‌انگیزد و حتی ممکن است آثار این بی‌اعتمادی دامن‌گیر شرکت‌های دیگر نیز بشود که به فعالیت مشابه می‌پردازند. در مقابل گروهی دیگر از جرائم ارتكابی شرکت‌ها ممکن است تا مدت‌ها تأثیر منفی بر حس اعتماد عمومی نداشته باشد؛ به بیان دیگر ارتكاب بعضی از جرائم شرکتی، تأثیر مستقیمی بر روی بی‌اعتمادی جامعه به آن شرکت و یا سایر شرکت‌ها نداشته و تنها ممکن است پس از مدت قابل توجهی یا با دخالت سایر عوامل، چنین تأثیری ایجاد شود.

۲-۲. اصول و مبانی جرم‌شناختی

حقوق کیفری رسالت‌های متعددی بر عهده دارد که یکی از آن‌ها، پیشگیری از جرم و بزه‌دیدگی سایر اشخاص اجتماع است که می‌تواند با تعیین کیفر مناسب به آن جامعه عمل ببوشاند. درخصوص شرکت‌ها نیز این مسئله همواره به‌عنوان یک دغدغه وجود دارد که

در صورت ارتکاب جرم توسط شرکت‌ها، این اشخاص حقوقی می‌توانند بزه‌دیدگان متعددی داشته باشند و آثار آن به مراتب بیش از جرائم اشخاص حقیقی باشد. همین‌طور اصل منع بی‌کیفر ماندن مجرمان یقه‌سفید نیز یکی دیگر از اصولی است که می‌تواند در کیفرگذاری شرکت‌ها و جرائم مربوط به آن‌ها مؤثر باشد. علت آن را باید در بیان موضوع جست‌وجو کرد که جرائم یقه‌سفیدی به‌طور معمول در بستر یک ساختار و به صورت سازمان‌یافته محقق می‌شود.

۲-۱. اصل پیشگیری از بزه‌دیدگی گسترده جامعه

یکی از معیارهای دسته‌بندی جرائم در جرم‌شناسی، «بزه‌دیده» است؛ به این بیان که بزه‌دیده و قربانی جرم، معیاری برای تفکیک جرائم از یکدیگر است. برخی از جرم‌شناسان تلاش کرده‌اند براساس معیار مذکور، جرائم را به چهار دسته تقسیم کنند: جرائم دارای بزه‌دیده واقعی، جرائم دارای بزه‌دیده فرضی و اعتباری، جرائم دارای بزه‌دیده بالقوه و جرائم بدون بزه‌دیده (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۴۷).

جرائم شرکتی نیز بی‌تردید، بزه‌دیده دارند؛ بنابراین نمی‌توان آن‌ها را در دسته چهارم از تقسیم‌بندی مذکور در فوق قرار داد. اما نکته مهمی که لازم است در این خصوص مورد توجه قرار داد، آن است که به‌طور معمول تعداد بزه‌دیدگان جرائم شرکتی بسیار زیاد است و یا لااقل در مقایسه با جرائم ارتكابی توسط اشخاص حقیقی، دارای نسبت بالاتری است؛ برای مثال در جرم عدم ارائه اطلاعات مالی مربوط به سود و زیان شرکت سهامی عام در زمان مقرر به سازمان بورس و اوراق بهادار، بزه‌دیدگان بالقوه متعددی وجود دارد که بزه‌دیدگی آن‌ها، وابسته به تحقق شرایط دیگری است. منفعت اجتماعی در گرو آن است که نه تنها تلاش کرد تا اعتماد عمومی به اشخاص حقوقی را افزایش داد، بلکه لازم است مراقب بود که جمعیت زیادی، بزه‌دیده جرائم شرکتی قرار نگیرند. مراجع قانون‌گذاری با تعیین جرائم و درنظر گرفتن مجازات‌های لازم درخصوص جرائم شرکتی، به آحاد اعضای جامعه این مطلب را متذکر می‌شود که در ارتباطات و تعاملات خود با شرکت‌ها، تمام جوانب و اطراف مسئله را بسنجند و مراقب بزه‌دیدگی احتمالی باشند (جعفری، ۱۳۹۵: ۱۶).

درخصوص این اصل، می‌توان به پرونده شرکت کوروش پردازان آی‌سا معروف به کوروش کمپانی اشاره کرد که فقط در شهر تهران بیش از ۱۵۰۰ شکایت از این شرکت به ثبت رسید.^۱ پرونده موبایل استقلال نیز دقیقاً به همین شیوه است که حجم تبلیغات صورت گرفته توسط این شرکت به حدی گسترده بود که حامی مالی باشگاه فوتبال استقلال تهران شد. این امر با اصل پیشگیری از بزه‌دیدگی گسترده مردم، تناسبی ندارد. البته شایسته است که مقنن در این زمینه، مجازات‌هایی را تنظیم و به تصویب رساند که بتواند درخصوص شرکت‌هایی که جرائم شرکتی را مرتکب می‌شوند، از بزه‌دیدگی شمار زیادی از مردم جلوگیری کند. رقم زیاد بزه‌دیدگان جرائم شرکتی، انگیزه مناسبی است که قانون‌گذار در این خصوص، سیاست کیفری منحصربه‌فردی را در پیش گیرد؛ به همین دلیل، جرائم و مجازات‌هایی که در قلمرو فعالیت‌های اشخاص حقوقی پیش‌بینی می‌شوند، با درنظر گرفتن این ویژگی و با هدف کاستن از تعداد بزه‌دیدگان طراحی می‌شوند (نیکومنظری، ۱۴۰۳: ۱۳۸).

۲-۲-۳. اصل منع بی‌کیفر ماندن مجرمان یقه‌سفید

آن گونه که در مقدمه اشاره شد، جرائم شرکتی تفاوت‌هایی با جرائم یقه‌سفیدی دارد، تفاوت‌هایی همچون اینکه مرتکبان جرم شرکتی لزوماً از اشخاص مرفه جامعه نیستند، به خلاف جرائم یقه‌سفیدی که اساساً به ارتکاب جرائمی خاص توسط افراد دارای طبقات بالای اجتماعی، اشخاص پرتوان مالی و یا صاحب منصب اشاره دارد؛ اما بر این اساس که رابطه بین این دو گروه از جرائم از نسبت عام و خاص من وجه پیروی می‌کند، در مواردی

۱. در پرونده کوروش کمپانی، مدیران این شرکت به تبلیغات گسترده، خصوصاً توسط هنرمندان و به اصطلاح سلبریتی‌های معروف به مردم وعده دادند با دریافت مبلغ ۲۰ میلیون تومان و گذشت ۵۰ روز، یکی از مدل‌های گوشی آیفون که قیمت آن در بازار ۵۰ میلیون تومان بود، تحویل می‌دهند. بسیاری از حقوقدانان، وقوع چنین کلاهبرداری گسترده‌ای را ناشی از خلأهای قانونی و عدم نظارت می‌دانند. مدیرعامل این شرکت با شروع تعقیب کیفری، از کشور گریخت و اموال منقول بسیاری از این شرکت، از جمله قایق‌های تفریحی در جزیره کیش، شناسایی و توقیف شد. پرونده این شرکت همچنان در ناحیه ۵ دادسرای عمومی و انقلاب تهران، مفتوح و در حال رسیدگی است (به نقل از ایرنا: www.irna.ir).

بین جرائم شرکتی و یقه‌سفیدی، اتحاد مصداقی به وجود می‌آید، به این معنا که برخی از جرائم شرکتی توسط شرکت‌هایی ارتکاب می‌یابند که برای مثال به افراد و یا دسته‌های سرمایه دار جامعه وابسته هستند. بنابراین جرائم یقه‌سفیدی در مواردی دربردارنده جرائم شرکتی نیز هستند (محسنی، ۱۳۹۱: ۱۳۳). در همه جرائم سازمان‌یافته، مجرمان قادر به تأسیس شرکت‌هایی برای پیشبرد اغراض خود یا پول‌شویی درآمدهای حاصل از جرم هستند و اغلب تحت پوشش شرکت‌های گوناگون به فعالیت‌های پنهانی خود ادامه می‌دهند. مجرمان یقه‌سفید برای ارتکاب جرائم خود در دو موضع از ابزارهای اشخاص حقوقی استفاده می‌کنند: نخست در جایی که می‌خواهند فرایند مجرمانه خویش را تحت پوشش یک شخص حقوقی، مانند یک شرکت مالی یا تجاری انجام دهند و از این رهگذر بر اقدامات مجرمانه خود لباس مشروعیت بپوشانند و هرچه ساختار شخص حقوقی پیچیده‌تر باشد، امکان کشف و خنثی‌سازی اعمال مجرمانه کاهش می‌یابد؛ دوم در جایی است که سود سرشار حاصل از فعالیت‌های مجرمانه را بخواهند به نحوی تطهیر و به چرخه روابط اقتصادی سالم بازگردانند. روشن است که سیستم بانکی به عنوان یک نهاد حقوقی می‌تواند در تطهیر این اموال، نقش برجسته‌ای داشته باشد؛ بنابراین تعیین کیفرهایی مناسب با وضعیت خاص شرکت‌ها، می‌تواند به تحقق این اصل مورد اشاره یاری رساند و یکی از اصول راهنمای کیفرگذاری برای قانون‌گذار باشد.

۲-۲-۳. اصل بازدارندگی حاصل از مجازات شرکت‌های مجرم

کیفر در برابر جرم است و هر رفتاری حسب مورد برای حمایت از مصالح بزه‌دیده، بزه‌کار یا جامعه جرم‌انگاری شده است. بنابراین، هر کیفر وقتی مطلوب و کارآمد است که در راستای تأمین هدف جرم‌انگاری، مقرر شده باشد. به این ترتیب، صرف کیفرگذاری و به کیفر رساندن بزه‌کاران کافی نیست، بلکه چگونگی کیفر از حیث نوع و میزان بیش از اصل کیفر اهمیت دارد.

در فرایند کیفرگذاری ابتدا باید نوع مجازات هر جرم انتخاب شود. انتخاب کیفر در هر جرم باید با ملاحظه دغدغه جرم‌انگاری آن رفتار به عمل آید، Braithwaite & Pettit).

5) 1994: یکی از دلایلی که مقنن در انتخاب مجازات‌ها به نوع و شدت و ضعف‌های آن توجه دارد، ایجاد هراس در مردم است. همین ویژگی، راهنمای قانون‌گذار در تشدید مجازات رفتاری است که بیشترین اختلال را در نظام اجتماعی و اقتصادی پدید می‌آورد و موجب تشویش اذهان عمومی است. ایده محوری ایجاد ارباب این است که ترس از اعمال ضمانت اجرای کیفری، مرتکب را از تکرار و دیگران را از ارتکاب جرم باز می‌دارد. در همین چارچوب، پیشگیری از جرم به پیشگیری عمومی^۱ و اختصاصی^۲ تفکیک می‌شود که اشاره آن به اثر بازدارندگی ضمانت اجرای کیفری است (Cavadino & Dignan, 2002: 35). قانون‌گذار ایران نیز در ماده ۲۱ قانون مجازات اسلامی با دو تا چهار برابر کردن و در ماده ۷۴۸ تعزیرات، با سه تا شش برابر میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی در قیاس با اشخاص حقیقی، در تقویت این ضمانت اجرا تلاش کرده است.

کیفرهایی که درمورد جرائم شرکتی به موقع اجرا گذاشته می‌شوند، می‌بایست درجه تقصیر این شرکت‌ها و میزان اثرگذار عمومی از رفتار خطرناک آن‌ها را منعکس کند. فزونی مجازات مالی بر سود حاصل از جرم درمورد شرکت‌های تجاری که براساس تفکر هزینه - منفعت، فعالیت‌های خود و ازجمله رفتارهای مجرمانه را تنظیم می‌کنند، در انصراف و بازداشتن آن‌ها از ارتکاب جرم، نقشی به سزا ایفا می‌کند. ازجمله عواملی که می‌تواند در تقویت بازدارندگی ضمانت اجراها، مؤثر در مقام باشد، شدت آن‌هاست. تفوق زیان بر سود جرم، هر شرکت محاسبه‌گر را از ارتکاب جرم برحذر می‌دارد (شریفی، ۱۳۹۳: ۲۵۸).

۳-۲. اصول عقلی ناظر بر کیفرگذاری

برخی از اصول و مقررات برای کیفرگذاری درخصوص هر جرم، مبتنی بر یک سری اصول عقلی است که مبنای آن باید مورد توجه جرم‌انگار و مقنن قرار گیرد. بر همین اساس جرائم شرکتی نیز از این قاعده مستثنی نیستند و طبعاً قواعد و اصول، راهگشای

1. special prevention

2. general prevention

مناسبی برای کیفرگذاری در این حوزه خواهد بود که باید آن‌ها را مورد اشاره و بررسی قرار داد.

۳-۲-۱. اصل کارایی و اثربخشی

هر قانون، صرف نظر از محتوای آن، باید از ویژگی‌هایی برخوردار باشد تا بتوان عنوان قانون را بر آن گذاشت (مینا و سیاهپور، ۱۴۰۲: ۲۱۲). از مهم‌ترین این معیارها باید به ویژگی کارایی و اثربخشی اشاره کرد. اجرا و اعمال این اصل در کالبد قوانین به نوبه خود ضمن تحقق الگوی حکمرانی مطلوب، ضامن ارتقای عدالت، و تضمینی برای حقوق ملت است. در هلند و در سال ۱۹۹۱ میلادی، فهرستی به‌منظور دستیابی به قانونی باکیفیت تنظیم شد که از همان سال مدنظر قانونگذار هلندی قرار گرفت. در این فهرست به اصول شش‌گانه‌ای از جمله: قانونی بودن به مفهوم انطباق با قانون اساسی، معاهدات بین‌المللی و اعمال اصول کلی حقوقی، «کارآمدی و اثربخشی»، متناسب بودن، قابلیت اجرا داشتن، هماهنگی، سادگی، وضوح و قابلیت دسترسی اشاره شده است (Florjin, 2008: 78). همچنین این اثربخشی و کارایی را باید در مرحله پسا قانونگذاری نیز بررسی کرد، چراکه عدم توجه به این مرحله می‌تواند ما را از اهداف در نظر گرفته شده برای یک قانون دور کند. این ارزیابی به معنای میزان دستیابی یک عمل تقنینی به اهداف خود است و از نظر سیاسی نیز جالب توجه است، چراکه نشان‌دهنده این است که تا چه اندازه تعیین دقیق هدف یا اهداف یک قانون مهم است (وکیلان، ۱۳۹۰: ۳۱۴). درخصوص اهمیت این اصل می‌توان به پرونده موسوم به سلطان سکه^۱ و سلطان خودرو^۲ اشاره کرد که در پی التهابات

۱. در این پرونده، متهم اصلی، که بارها و طی سالیان متمادی، سابقه دستگیری به علت اخلال در بازار ارز کشور داشته، از طرق مختلف، از جمله خرید و جمع‌آوری بیش از دو تن طلا از طریق زیرمجموعه‌های خود از بازار، سبب به هم ریختن عرضه و تقاضا در بازار شد. گردش مالی وحید مظلومین و شرکایش به ۱۴ هزار میلیارد تومان در سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ می‌رسید. بنا بر توضیحات نماینده وقت دادستان در جلسه رسیدگی به اتهامات وحید مظلومین، متهم پرونده، با در اختیار داشتن افراد صاحب نفوذ در بانک مرکزی و همچنین داشتن چند فقره پرونده و دستگیری و آزادی‌های متمادی، باعث آشنایی وی با قوانین پولی و

ارز، طلا و خودرو در اوایل سال ۱۳۹۷ و سال ۱۳۹۹ دو تن از متهمان پرونده سلطان سکه، به اتهام «افساد فی الأرض از طریق اخلال در نظام اقتصادی کشور» و دو تن از متهمان پرونده سلطان خودرو، به اتهام «اخلال کلان در بازار ارز و خودرو کشور» به اعدام محکوم شدند. همان گونه که پیش تر اشاره شد، اصل کارایی و اثربخشی را در مرحله پسا قانونگذاری و در ورطه عمل نیز باید جست و جو و ارزیابی کرد. در مثال اخیر مشاهده می شود که علی رغم برخورد شدید و سخت گیری در این پرونده ها و اعمال مجازات اعدام، باز هم پس از آن تاریخ، با التهابات متعدد در بازارهای مختلف کشور روبه رو بوده ایم که این امر نشان دهنده آن است که علی رغم برخورد با مفسدان اقتصادی، قوانین موجود کارایی لازم را در برخورد با این قبیل جرائم نداشته است. بنابراین، توجه به این امر در مراحل تصویب یک قانون از مهم ترین اصول حاکم بر کیفرگذاری در نظر گرفته می شود.

۳-۲-۲. اصل عدالت

به باور بسیاری از اندیشمندان حقوق، عدالت هدف نهایی و ارزش نخستین و ناظم است؛ ارزشی که از دیرباز، بزرگ ترین جاذبه را برای انسانیت، به ویژه حقوقدانان داشته است (کاتوزیان، ۱۳۸۰: ۵۱۳). عدالت، معیار ارزیابی و انتقاد از حقوق موضوعه و در عین حال موتور متحول کننده آن است. این اصل، اقتضا دارد که مجرم به سزای اعمال خود برسد و گرنه تفاوتی بین کسی که هنجارها را محترم شمرده و کسی که آن ها را نقض کرده است، وجود نخواهد داشت. این امر نیز خود مستلزم شناسایی و شناساندن هنجارهای مدنظر جامعه از طریق قانون است که در زمینه مورد بحث ما یعنی جرائم شرکتی می بایست ارزش های حاکم که در مقابل یک جرم شرکتی رخ می دهد، مشخص شود تا با قید

بانکی شده است. این امر خود حکایت از عدم کفایت و اثربخشی قوانین در جهت برخورد با چنین جرائمی است.

۱. در این مورد دو متهم پرونده از طریق پیش خرید ۶۷۰۰ خودرو از شرکت سایپا و مشارکت در پول شویی به میزان ۳۲ هزار میلیارد ریال و کشف ۲۴۷۰۰ سکه بهار آزادی، به علاوه ۱۰۰ کیلو طلا از منزلشان به اعدام محکوم شدند.

ضمانت اجراهای کیفری التزام اشخاص به آن‌ها را خواستار شد (نیکومنظری، ۱۴۰۳: ۱۲۸). شناسایی جرائم شرکتی با وجود انواع بی‌شمار و شیوه‌های مختلف ارتکاب و پیچیدگی نسبت به سایر جرائم، دشوارتر است. در بسیاری از موارد نیز به دلیل عدم آگاهی بزه‌دیده نسبت به فرایندهای صورت گرفته، به خصوص زمانی که جرم در قالب یک سازمان و شرکت به وقوع می‌پیوندد و همینطور استفاده از حیل و فریب موجب می‌شود که قربانیان این جرائم، بلافاصله از صفات وارده مطلع نشوند که در نتیجه، عدم شناسایی مسئولیت کیفری برای مجرمان شرکتی و پذیرش مصونیت برای آن‌ها، موجب لطمه به قربانیان و جامعه می‌شود.

۳-۲. اصل ضرورت

در مواردی اقدام مقنن به قانونگذاری به دلیل عدم توجه و بررسی دقیق قوانین موجود در نظام حقوقی است. چه‌بسا در موردی در نظام کنونی حقوقی کشور قانونی وجود داشته باشد که صرفاً با مهیا کردن شرایط اجرای آن، نیازی به تصویب قانون دیگری نباشد. احراز این اصل از آن جهت اهمیت بسیاری دارد که هرچه قانونگذار به تصویب قوانین بیشتری اقدام کند و این تصویب ناشی از عدم بررسی و ارزیابی اوضاع و احوال نظام حقوقی فعلی باشد، از منزلت قوانین و کارکرد صحیح آن‌ها می‌کاهد (مینا و سیاهپور، ۱۴۰۲: ۱۶۹). روی دیگر این اصل، مواردی است که اصولاً در ارتباط با یک عمل مجرمانه، قانونی وجود ندارد یا توسط قانون، یک جرم شناسایی نشده است. در چنین مواردی اصل ضرورت قانونگذاری بیشتر خودنمایی می‌کند. در زمینه جرائم شرکتی، بسیاری از جرائم احتمالی، معلول سوء عملکرد اشخاص حقیقی و حقوقی است و صرف ضمانت اجراهای مدنی در برخی از موارد، نمی‌تواند جبران آثار اجتماعی برجای مانده را داشته باشد. از این رو تعیین ضمانت اجراهای کیفری مناسب و شیوه‌های نوین که بتواند غرامت بزه‌دیدگان جرائم شرکتی را فراهم کند و لطمه‌های وارده به آنان را حتی‌الامکان ترمیم کند، ضروری به نظر می‌رسد (نیکومنظری، ۱۴۰۳: ۱۲۳)؛ برای مثال می‌توان به پرونده فساد مالی چای دیش اشاره کرد که به علت عدم نظارت و اجرای صحیح قوانین و یا عدم وجود قانون لازم و

ضروری، شرایط برای چنین فساد گسترده‌ای را فراهم آورد.^۱ لذا باید قوانینی وجود داشته باشد که در وهله اول از وقوع چنین جرائمی، خصوصاً در این سطح از گستردگی جلوگیری کند و در ثانی در صورت وقوع کارکردهایی در نظر گرفته شود که بتوان از طریق آنان جبران تمامی خسارات وارده را انجام داد.

در اینجا لازم به توضیح است که میان اصل ضرورت و اصل منفعت اجتماعی به دلیل شباهتی که وجود دارد، امکان خلط وجود دارد. برای رفع این شبهه لازم است بیان شود که اساساً اصل منفعت اجتماعی ناظر بر اثراتی است که ممکن است از یک جرم حاصل و هیئت اجتماع را تحت تأثیر قرار دهد، از جمله خدشه دار شدن اعتماد اجتماعی که در روابط جامعه وجود دارد و لازم است این امر با در نظر گرفتن اصل منفعت اجتماع، تأمین شود. اما در مقابل و در اصل ضرورت - همانگونه که بیان شد - چه بسا اساساً تصویب قانونی لازم نباشد و تصویب یک قانون ناصواب اثرات نامطلوب بیشتری نسبت به عدم وجود آن قانون داشته باشد؛ بنابراین در بدو امر باید ضرورت تصویب یک قانون و اثرات ناشی از وضع آن قانون لازم به نظر برسد؛ از همین رو، این اصل اضافه بر مفهومی ایجابی، دارای یک معنای سلبی نیز هست. همچنین در اصل ضرورت ممکن است اثرات ناشی از یک جرم به طور کلی مدنظر نباشد، بلکه جهت اجرای هرچه بهتر قانونی دیگر، تصویب مقرره‌ای تازه جهت رفع تعارضات و ابهامات ضروری باشد. از آنچه بیان شد چنین نتیجه

۱. فساد مالی چای دیش، بزرگ‌ترین فساد مالی صورت گرفته از نظر رقم، بعد از انقلاب بوده است. شرکت کشت و صنعت دیش طی سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۱ برای واردات چای و ماشین‌آلات، مبلغی برابر با ۳۳۷۰ میلیون دلار ارز دریافت که ۱۴۷۲ دلار از این مقدار ارز نیمایی بوده است. این میزان ارز برای واردات ۱۴ سال چای کشور کافی بوده است. دلارهای نیمایی دریافتی توسط این شرکت در بازار و به قیمت آزاد فروش می‌رفته و از سوی دیگر این شرکت برای واردات چای درجه یک هندی ثبت سفارش می‌داد، اما چای درجه دو کنیایی با اختلاف قیمت ۱۲ دلار در هر کیلوگرم وارد می‌کرد. جهت قیاس از حجم فساد صورت گرفته باید گفت پالایشگاه هویزه با سرمایه‌گذاری ۱۴ میلیارد دلار، پتروشیمی گچساران با ۱۳ دلار ساخته شده‌اند و در لایحه بودجه ۱۴۰۳ نیز مبلغ مالیات در نظر گرفته شده از عموم افراد جامعه بدون در نظر گرفتن شرکت‌های بزرگ و اشخاص حقوقی، تقریباً برابر با مبلغ فساد صورت گرفته بوده است (به نقل از ایسنا: www.isna.ir).

گرفته می‌شود که این دو اصل در عین مشابهت نزدیکی که دارند، دارای تفاوت نیز هستند که این مهم باید از یکدیگر تمیز داده شود.

۳-۲-۴. اصل کنترل و نظارت

بسیاری از جرائم شرکتی از سوءاستفاده شرکت‌ها از موقعیت خود ناشی می‌شوند و چنانچه این شرکت‌ها و مدیران آن بدانند که اقدامات آنان چه اثراتی می‌تواند بر شخصیت حقوقی آن شرکت بگذارد و حتی آن را تا مرز انحلال و نابودی بکشاند، تلاش می‌کنند که در اتخاذ تصمیم‌های خود، نگاه کارشناسی داشته باشند. مسئولیت اشخاص حقوقی، نوعی ابزار اجبارکننده‌ای خواهد بود تا تمام عوامل و افراد و کارکنان شرکت‌ها را به مشارکت در امر پیشگیری از ارتکاب جرم شرکتی، ناگزیر سازد. از این رو باید چنین اجباری را مطلوب ارزیابی کرد (Sun Beal, 2019: 120). بنابراین وجود یک عامل کنترلگر و بازدارنده در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. پذیرش مسئولیت کیفری برای شخصیت حقوقی شرکت‌ها همچنین موجب افزایش تعهد مدیران آن‌ها در برابر اعضا و سهام‌داران و نیز باعث افزایش دقت این مدیران در انتخاب مسئولان اجرایی شرکت و نمایندگان و کارکنان خواهد شد. بدیهی است که تأمل و تأنی هر چه بیشتر مدیران در انتخاب و گزینش نمایندگان شرکت، به جلوگیری از وقوع جرائم شرکتی کمک خواهد کرد (Pieth & Ivory, 2011: 32). عدم کنترل و نظارت کافی در شرکت‌های سهامی خاص و عام یکی از مشکلات عدیده‌ای است که توجه کافی در مجموع قوانین و مقررات موجود صورت نگرفته است و نکته مهم‌تر اینکه شرکت‌های خصوصی که بعضاً فاقد اوصاف موجود در قانون تجارت هستند بحث کنترل درونی عملاً منتفی بوده و متأسفانه به جهت ضعف در رویه قضائی نمی‌توان به یک نظارت کلی و منسجم درخصوص شرکت‌های خصوصی دست یافت^۱ و در قوانین از حمایت مالکیت صنعتی^۱ و حتی قانون بانک مرکزی

۱. یکی از دلایل ضعف در این حوزه را می‌توان به قدمت طولانی قانون تجارت اشاره کرد که در زمان تصویب قانون مذکور هیچ‌گاه بحث اشخاص حقوقی به‌عنوان یکی از جلوه‌های کنشگران حقوق کیفری مانند امروز مطرح نبوده است.

که آخرین اراده‌های قانون‌گذار در این حوزه است، اشاره به بحث جرائم شرکتی و شیوه‌های مقابله و مبارزه با آن و حتی بخش نظارت به صورت ضعیف مورد تقنین قرار گرفته است.^۲

نتیجه

جرائم شرکتی به مثابه دغدغه زندگی مدرن و یکی از چالش‌های مهم قانونگذاران و دستگاه عدالت کیفری است. جهانی شدن اقتصاد و نیز رشد روزافزون آن سبب شد که صرف توجه به اصول کیفرگذاری سنتی در مواجهه با چنین جرائمی، کافی به نظر نرسد. اصول سنتی کیفرگذاری که به اصول قانونی بودن کیفر، شخصی بودن، فردی کردن، تناسب میان جرم و مجازات و رعایت اصل کرامت انسانی در کیفر، تقسیم‌بندی شدند در قبال جرائم شرکتی به تنهایی راهگشا نبوده و صرف اشاره و کار بست این اصول نمی‌تواند به تنهایی در مسیر مقابله با جرم شرکتی کافی باشد. بنابراین، علاوه بر توجه به اصول سنتی، باید اصول نوین را هم در راه قانونگذاری این جرائم به کار گرفت. باید گفت که هر چند

۱. در این قانون با توجه به اهمیت جرائم شرکتی به نظر می‌رسد قانون‌گذار بدون توجه به مفهوم جرائم شرکتی و ابعاد گسترده‌ای که این جرائم می‌تواند داشته باشد صرفاً در ماده ۱۳۲ قانون مذکور مجازات اشخاص حقوقی را به مواد ۲۰ و ۲۱ قانون مجازات اسلامی احاله کرده است فارغ از اینکه ضرورتی برای این امر وجود نداشته است، چون با توجه به وجود قانون عام مجازات اسلامی به‌طور کلی می‌توان از ضمانت اجرای مذکور بهره برد بدون آنکه نیازی به ذکر آن در قوانین مختلف باشد. این امر گویای این است که جرائم شرکتی هیچ‌گاه نتوانسته است جای خود در نگاه قانون‌گذار باز کند.

۲. برای مثال می‌توان به مبحث سوم از قانون جدید بانک مرکزی مصوب سال ۱۴۰۲ اشاره کرد که در این بخش به تشکیل دادرسی ویژه جرائم پولی و بانکی و وظایفی را از باب نظارت برای وزارت اطلاعات و فرماندهی نیروی انتظامی و همین‌طور دادستان مرکز استان پیش‌بینی کرده است. در ماده ۳۷ قانون مذکور انجام هر گونه عملیات بانکی و خدمات مربوطه را صرفاً از طریق بانک مرکزی برشمرده و تخلف از مقررات این ماده را برای اشخاص حقوقی مجازات انحلال پیش‌بینی کرده است، هر چند که مقررات مذکور می‌تواند یک گام به جلو برای شناسایی اشخاص متخلف در این حوزه باشد، ولی همان گونه که در نوشتار حاضر مورد توجه قرار گرفت، جرائم شرکتی دارای ابعاد گسترده‌تری بوده و با وضع چند ماده در این خصوص نمی‌توان گفت که به درستی می‌توان بر کنترل و پیشگیری این دسته از جرائم دست یافت.

مجازات جرائم شرکتی، قابل انطباق با اصول سنتی کیفرگذاری و اهداف مجازات است، اما برای توجیه منطقی و متناسب‌سازی آن، دلایل دیگری نیز که متناسب با وضعیت این اشخاص باشد، ارائه شود؛ این اصول کیفرگذاری نوین که بهتر و دقیق‌تر می‌تواند مبانی تحمیل کیفر در خصوص جرائم شرکتی را توجیه کند، عبارت‌اند از: اصول عقلی ناظر به کیفرگذاری، همچون ممنوعیت محاسبه مکرر، اصل ضرورت، اصل عدالت، اصل کارایی و اثربخشی؛ اصول جرم‌شناختی مانند اصل بازدارندگی، منع بی‌کفر ماندن مجرمان یقه‌سفید، پیشگیری از بزه‌دیدگی گسترده افراد جامعه؛ اصول و مبانی جامعه‌محور، همچون منفعت اجتماعی و حمایت از حقوق اشخاص ثالث. به کارگیری هر کدام از این اصول، علاوه بر تأمین اهداف آن‌ها در جهت قانونگذاری، نواقص اصول سنتی را نیز هرچه بهتر برطرف و پوشش می‌دهند. در همین راستا ضروری است تا در قوانین حاضر، با انجام اصلاحات لازم، نواقص در زمینه اجرای هرچه بهتر اصل شخصی کردن کیفر در جهت جلوگیری از ورود ضرر و زیان به مردم و نیز تأمین هرچه کامل‌تر اصل نوین جلوگیری از بزه‌دیدگی گسترده جامعه فراهم شود. همچنین با اجرای اصولی از جمله کارایی و اثربخشی با قانونگذاری هرچه علمی‌تر و کارشناسی‌تر، علاوه بر کاهش بار اضافه اصلاح قوانین به صورت پی در پی، ایجاد تورم در قوانین و سردرگمی در برخورد با جرائم شرکتی، رویه‌ای متمرکزتر و قوی در برخورد و پیشگیری از جرائم شرکتی اتخاذ شود. بدین منظور برای ایجاد یک رویه واحد در قانونگذاری و پیرایش قوانین موجود، پیشنهادهای ذیل برای اصلاح، تجمیع و تقنین ارائه می‌شود:

- ۱) قانون‌گذار به‌طور مشخص یک تعریف واحد و جامع از جرم شرکتی ارائه دهد.
- ۲) قانون‌گذار تفاوت جرم سازمان‌یافته با گروه مجرمانه سازمان‌یافته و جرائم شرکتی را به‌طور دقیق با مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی تبیین سازد.
- ۳) فصل مشخصی به جرائم و مجازات‌های جرائم شرکتی در لایحه تعزیرات اضافه شود.

۴) قوانین متفرقه در حوزه جرائم شرکتی را منسوخ و جملگی آن‌ها را با ارائه یک تعریف جدید، مطابق روز در قانون تعزیرات قرار دهد.

۵) به جهت اهمیت موضوع جرائم شرکتی، موضوعاتی از قبیل معاونت، مشارکت، شروع به ارتکاب جرم، مجازات‌های تکمیلی، تبعی، جایگزین و نیز ممنوعیت برای استفاده از نهادهای جایگزین درخصوص این دسته از جرائم، معرفی و به‌طور ویژه مورد تقنین قانونگذار قرار گیرد.

۶) به جهت آگاهی و آشنایی قضات با این دسته از جرائم، ضرورت دارد که آموزش‌های ویژه‌ای در دوران کارآموزی و نیز ضمن خدمت تشکیل و مجتمع قضائی ویژه‌ای برای رسیدگی به این جرائم با حضور قضات مجرب تأسیس شود.



فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- بیات، شیرین، و الهه لطفعلی‌زاده مهرآبادی (۱۳۹۸)، **مختصر جرم‌شناسی**، تهران: دادبانان دانا.
- پیوندی، غلامرضا و سید علیرضا میربد (۱۳۹۷)، «کیفرگذاری در پرتو اصل کرامت انسان»، **نشریه حقوق اسلامی**، شماره ۵۶.
- جعفری، مجتبی (۱۳۹۵)، «مبانی و اصول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی ایران»، **پژوهش‌نامه حقوق کیفری**، دوره ۷، شماره ۱۴.
- جعفری، مجتبی (۱۳۹۵)، «مبانی و اصول مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در قانون مجازات اسلامی ایران»، **نشریه پژوهش‌نامه حقوق کیفری**، شماره ۱۴.
- حبیب‌زاده مؤمن، بهنام و اکبر روایی (۱۳۹۶)، «واکاوی سیاست جنایی ایران در قبال جرائم یقه‌سفیدی»، **فصلنامه علوم اجتماعی**، دوره ۱۱، شماره ۳۹.
- خانعلی‌پور واجارگاه، سکینه (۱۴۰۱)، «مطالعه تطبیقی اصول حاکم بر کیفرگزینی در حقوق کیفری ایران و آلمان»، **فصلنامه مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، شماره ۱.
- رحیمی، علی (۱۳۸۹)، **تناسب جرم و مجازات**، تهران: معجد.
- رضاپور، محمدجواد و محمدحسین رجیبه (۱۳۹۷)، «چالش‌های تشریفات رسیدگی در مرحله تحقیقات مقدماتی در ارتکاب شبکه‌ای ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری و شرکت‌های هرمی»، **فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل**، شماره ۴۱.
- شریفی، محسن (۱۳۹۴)، **مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی در حقوق ایران و انگلستان**، تهران: میزان.
- شریفی، محسن، محمدجعفر حبیب‌زاده و محمد فرجیها (۱۳۹۳)، «ارزیابی ضمانت اجرای کیفری نسبت به اشخاص حقوقی (تحلیل ماده ۲۰ قانون مجازات اسلامی)»، **پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی**، دوره ۲، شماره ۳.
- صادق‌نژاد نائینی، مجید (۱۳۹۶)، «تحلیل جرائم شرکتی در پرتو نظام‌های اقتصادی»، **نشریه حقوقی دادگستری**، شماره ۹۹.
- غیاثوند، سعید، ساجده موسوی، فاطمه زند و میترا بسیوند (۱۴۰۲)، «جایگاه اصل فردی کردن مجازات‌ها در میان اصول حاکم بر مجازات‌ها»، **نشریه مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه**، شماره ۳.
- قبانچی، حسام، حمیدرضا دانش ناری و ناهید موسوی (۱۳۹۳)، «جرائم مالی شرکتی از گونه‌شناسی تا علت‌شناسی»، **دوفصلنامه دانشنامه حقوق اقتصادی**، شماره ۶.

- کلی، جان (۱۳۸۲)، **تاریخ مختصر تئوری حقوقی در غرب**، ترجمه محمد راسخ، تهران: طرح نو.
- محسنی، فرید (۱۳۹۱)، «جرائم شرکتی از دیدگاه جرم‌شناختی»، **نشریه دیدگاه‌های حقوق قضائی**، شماره ۵۷.
- مینا، محسن، و محمد رضا سیاهپور (۱۴۰۲)، **بایسته‌های قانون‌گذاری ایرانی**، تهران: میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴)، **تقریرات درس درآمدی بر جرم‌شناسی بزهکاری اقتصادی و حقوق کیفری اقتصادی**، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- نیکومنظری، امین (۱۴۰۳)، **اصول حاکم بر مجازات اشخاص حقوقی**، تهران: انتشارات دادگستری کل استان تهران.
- وکیلان، حسن (۱۳۹۰)، «راهکارهای اعمال نظارت بر اجرای قوانین»، تألیف و ترجمه حسن وکیلان، **گفتارهایی در قانون و قانون‌گذاری**، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

ب) آرای قضائی

- دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۷۹۰۰۳۷۶ مورخ ۱۳۹۱/۱۰/۰۳ صادره از شعبه ۱۹ دیوان عالی کشور.
- دادنامه شماره ۱۴۰۲۶۸۳۹۰۰۱۱۸۴۲۹۱۹ مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۲ صادره از شعبه ۵ دادگاه انقلاب اسلامی شهر تهران ویژه رسیدگی به جرائم اقتصادی.

ج) اسناد الکترونیک

- آخرین وضعیت پرونده چای دیش، ایسنا <<https://www.isna.ir/news/1403022720225>>، (تاریخ دسترسی ۱۴۰۳/۴/۴).
- جزئیات رأی پرونده پدیده شاندیز اعلام شد، فارس، <<https://farsnews.ir/news/13980505000523>>، (تاریخ دسترسی ۱۴۰۳/۰۳/۲۸).
- پرونده کوروش کمپانی به کجا رسید، ایرنا، <<https://www.irna.ir/news/85437608>>، (تاریخ دسترسی ۱۴۰۳/۲/۲۵).

د) قوانین و مقررات

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴/۰۹/۰۱.
- قانون تجارت الکترونیک مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷.
- قانون تشدید جرائم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸/۳/۲۰.
- قانون مبارزه با پول‌شویی مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۱۷.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۰۲/۰۱.

➤ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷/۱۲/۲۴.

- Economic Espionage Act 1996.
- Defend Trade Secret Act 2016.

هـ) منابع انگلیسی

- Bertrand, O., F. Lumineau, & E. Fedorova (2014), "The supportive factors of firms' collusive behavior: Empirical evidence from cartels in the European Union", **Organization Studies**, no.35.
- Bertrand, Olivier, Fabrice Lumineau, and Evgenia Fedorova. 2014. The supportive factors of firms' collusive behavior: Empirical evidence from cartels in the European Union. **Organization Studies** , no.35.
- Braithwaite, J., & Ph. Pettit (1994), "Three Rs of republican sentencing, current issues in criminal justice", **Current Issues in Criminal Justice**, Vol. 5, no. 3.
- Cavadino, M., & J. Dignan (2002), **The Penal System: An Introduction**, 3rd end, M02 5 - 406 pages , London: SAGE Publications.
- Florjin, N. A, (2008), **Quality of Legislation: A law and Development project**, Amesterdam: Leiden University press.
- Gruner, R. S., & W. A. Hancock. (1997), **Corporate Crime and Sentencing**, second edition, Charlottesville: Michie Publishing Company.
- Jaspers, J. D. (2017), "Managing cartels: How cartel participants create stability in the absence of law", **European Journal on Criminal Policy and Research**, no. 23.
- Lord, N., & M. Levi (2017), "Organizing the finances for and the finances from transnational corporate bribery", **European Journal of Criminology**, no. 14.
- Pearce, F., & J. Grasso (2011), "Corporate environmental crime: A review of the literature", **Journal of Business Ethics**, vol.101, no. 3.
- Pieth, M., & R. Ivory (2011), **Emergence and Convergence: Corporate Criminal Liability Principle in Overview**, vol. 9, Springer, Dordrecht, Netherlands.
- Poto, M. (2007), "The Principle of Proportionality in Comprative Prespective", **German law Jornal**, Vol.8, no. 9.
- Simpson, Sally S., (2002), **Corporate Crime, Law and Social Control**, Cambridge University Press, First published.
- Sun Beal, S. (2009), "A-Response to Critics to of Corporate Criminal Liability", available at <http://papers.ssrn.com/> 2013/papers.cfm?Abstracted = 1470683.
- Takahashi, Y. (1999), "Proportionality – a German Approach' AMICUS CURIAE", **Jornal of the Society for Advanced Legal Studies**, Issue 19, no.3.